



ادامه از صفحه ۵

سازمان‌های مردم نهاد و حس امنیت اگر تشکل مردم نهادی سازمانی عمل کرده و قوانین، آیین‌نامه، بیانیه مأموریت، میثاق اخلاقی و ... تعیین کند که مطلوب همه اعضا باشد؛ آن‌ها امنیت در جامعه‌ای کوچک را تجربه کرده و یاد می‌گیرند ارتباط‌های کاری را در چهارچوب قوانین تعریف کنند، از ظلم و باندسازی پرهیز کنند و مخالفت یا اعتراض خود را با توجه به قوانین ارایه دهند. افراد وقتی حس امنیت را در گروه‌های کوچک تجربه کنند خواهان آن در جامعه نیز هستند و برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند.

سازمان‌های مردم نهاد و حس اعتماد سازمان‌های مردم نهاد به دلیل فعالیت‌های داوطلبانه می‌توانند با ترویج رقابت سالم و برنامه‌های خیرخواهانه (ترجیح منافع عمومی به منافع خصوصی)، توانمندسازی اعضا حس اعتماد اعضا را نسبت به هم افزایش داده تا بدور از رفتارهای خودخواهانه، تهمت‌ها، حسادت‌ها و رفتارهای مغرضانه با هم برای ساخت دنیایی بهتر کار کنند و تهدیدها را تبدیل به فرصت کنند و این امر با مدیریت مشارکتی و تقسیم قدرت توسط مدیران بالادستی امکانپذیر خواهد بود و هر فردی نتواند این حس اعتماد را بپذیرد و خواهان رفتارهای خودخواهانه باشد از گروه ترد می‌شود و در پی آن هیچ وقت نمی‌تواند اعتماد جامعه را به خود جلب کنند زیرا که نتوانست آن را یاد بگیرد.

مدیریت مشارکتی همچنین در تشکلهای غیردولتی امکان انحراف به سمت ابزار شدن را کاهش خواهد داد و حس مشارکت را نیز افزایش خواهد داد و این به صورت معناداری سبب انتخاب‌های بهتر در جامعه مانند انتخابات شوراهای، مجلس و ... می‌شود.

اگر مدیران سازمانی مردم نهاد بخاطر منافع شخصی یا حس قدرت طلبی موسسه را راه‌اندازی کرده باشد نه تنها اثربخشی در افزایش سرمایه اجتماعی نخواهند داشت بلکه اثر فرسایشی بر روی جامعه خواهند گذاشت و افرادی سوداگر، جامعه‌گریز یا بدون وابستگی به جامعه تربیت خواهند کرد به همین دلیل ضروری است بجز تشکلهای صرفاً سیاسی مابقی سازمان‌های مردم نهاد به طور شفاف در بیانیه خود اعلام کنند که سازمانی غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی هستند و دارای میثاق اخلاقی شفاف برای پرهیز از ورود به هر گونه انحراف و دسته‌بندی باشد.

درباره سرمایه اجتماعی

دکتر سلیمان پاکسرشت (دکترای جامعه شناسی)

برای ترمیم و ارتقای سرمایه اجتماعی در دستور کار قرار دهند. اما واقعیت آن است که برخلاف سایر اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی به راحتی تولید نمی‌شود و روندهای فرسایشی به شکل خودتقویت‌شونده‌ای با رفتارهای مبتنی بر بی‌اعتمادی و فردگرایانه افراد جامعه تشدید می‌شوند و ابعاد نگران‌کننده پیدا می‌کنند.

توجه به موضوع سرمایه اجتماعی در کشور ما به مانند بسیاری از مفاهیم ارزشمندی که به ادبیات عمومی شهروندان راه یافته‌اند، فراز و نشیب زیادی داشته است. به عنوان مثال در قانون برنامه چهارم توسعه تکالیف متعددی در این خصوص تعریف و توسط دولت وقت پیگیری شد، اما در قانون برنامه‌ی پنجم این موضوع به کلی به فراموشی سپرده شد. طی دو سال گذشته مجدداً موضوع سرمایه اجتماعی و روندهای به گواه مطالعات متعدد، نگران‌کننده‌ی فرسایشی آن در دستور کار نهادهای دولتی زیربط قرار گرفته است. از آن مهم‌تر اهمیت سرمایه‌ی

اما زمان زیادی نگذشت و روشن شد که این عامل نیز برای توضیح تفاوت‌های در بازدهی سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای کفایت نمی‌کند.

در حالی‌که بسیاری از محققان سرگرم کاوش در تفاوت مدل‌های توسعه بودند، رابرت پاتنام در بررسی خود از تفاوت‌های توسعه در مناطق شمالی و جنوبی ایتالیا به یافته‌ی جالب توجه‌ی دست یافت. او مشاهده کرد که با وجود ساختار قانونی و حاکمیتی مشابه، شمال ایتالیا به نسبت جنوب ایتالیا به مراتب پیشرفته‌تر بوده و از حاکمان پاسخگوتری برخوردار است. او دریافت که در مناطق شمالی مردم به یکدیگر بیش‌تر اعتماد دارند و میزان مشارکت آن‌ها در تعاملات اجتماعی و روابط انجمنی به نحو چشم‌گیری متفاوت از مناطق جنوبی است. پاتنام این ویژگی را سرمایه اجتماعی نامید و بدین ترتیب شکل جدیدی از سرمایه را کشف کرد که نقش بسیار کلیدی در بازدهی سایر سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای دارد.

امروزه و پس از گذشت بیش از دو دهه از مطالعات گسترده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در جهان، آشکار شده است که سرمایه‌ی اجتماعی ارزش تحلیلی و سرمایه‌ای بسیار فراتر از ادعای اولیه‌ی پاتنام دارد. به عنوان نمونه مشخص شده است جامعه‌ای که دارای سرمایه‌ی اجتماعی است و به تعبیر ساده‌تر همکاری، تعامل و رفتارهای گروهی بین مردم آن هم بر اساس اعتماد و باور به هنجارهایی چون صداقت، تعاون، مودت، برابری و ... بیش‌تر است، دارای آسیب‌های اجتماعی و فساد کم‌تری است و احساس امنیت در آن بالاست، کامیابی‌های آموزشی بیش‌تر است و شهروندان آن از سلامت جسمی و روانی بیش‌تری برخوردار است، عملکرد محیط‌زیستی مطلوب‌تری دارد و بازدهی اقدامات دولت در زمینه‌های مختلف بیش‌تر است.

با توجه به اهمیت برخورداری یک جامعه از سرمایه‌ی اجتماعی و بویژه آثار مخرب فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی، دولت‌ها می‌کوشند از طریق بررسی‌های منظمی که به صورت سالانه یا چند سال یک‌بار انجام می‌شوند، کمیت و کیفیت سرمایه‌ی اجتماعی را رصد کرده و در صورت نیاز اقداماتی را

سرمایه‌ی اجتماعی عنوان نوعی از دارایی‌های یک اجتماع انسانی است که اهمیت آن در مقایسه با سایر اشکال دارایی‌ها و سرمایه‌ها، دیرتر کشف شده است. تا مدت‌ها چنین تصور می‌شد که دارایی‌های اقتصادی و منابع طبیعی تنها سرمایه‌های ارزشمند و قابل مصرف در مسیر رشد و پیشرفت جوامع انسانی است.

بر اساس میزان دسترسی به همین دارایی‌ها نیز بود که جوامع به برخوردار و نابرخودار تقسیم می‌شدند. به مرور آشکار شد که بازدهی این اشکال اولیه‌ی سرمایه به طور کامل با میزان و حجم آن‌ها قابل توضیح نیست. به بیان ساده‌تر روشن شد که محتمل است دو جامعه‌ای که به میزان واحد و یکسانی به منابع و سرمایه‌های اقتصادی و مادی دسترسی دارند، به میزان‌های متفاوتی از فواید و آثار این دارایی‌ها بهره ببرند. معنای دیگر این واقعیت آشکار شده این بود که رشد اقتصادی به تنهایی برای بهروزی، سعادت و رفاه جوامع کافی نیست.

رشد اقتصادی به تنهایی

برای بهروزی، سعادت و

رفاه جوامع کافی نیست

محققان توسعه در کنکاش چرایی تفاوت بازدهی منابع و سرمایه‌های مادی و طبیعی در جوامع مختلف، به اهمیت توانایی، مهارت، دانش و توانمندی نیروی انسانی در استفاده از تکنولوژی‌ها، منابع و سرمایه‌های اقتصادی پی بردند و نام سرمایه‌ی انسانی بر آن نهادند. بدین ترتیب عنوان سرمایه دلالت‌هایی فراتر از مقولات اقتصادی و مادی پیدا کرد و این امر به نوبه‌ی خود اهداف توسعه‌ی جوامع را از یک سو و سیاست‌های توسعه‌ای جوامع را از سوی دیگر دستخوش تغییرات فراوانی کرد. سرمایه‌گذاری‌های در بخش‌های آموزش، ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی، مدیریت منابع انسانی مشخصه‌ی دوره‌ای از رشد دانش توسعه بود که چنین تلقی می‌شد کمیت و کیفیت منابع انسانی به تنهایی می‌تواند تفاوت‌های بین بازدهی متفاوت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای را در جوامع مختلف توضیح دهد.

برخلاف سایر اشکال

سرمایه، سرمایه‌ی اجتماعی

به راحتی تولید نمی‌شود

اجتماعی برای رفع چالش‌های پیش‌روی کشور بویژه در زمینه‌ی منابع طبیعی و محیط‌زیست آشکار شده است و همین موضوع سبب اقبال به فعالیت انجمن‌ها و گروه‌های همکاری غیردولتی به عنوان نهادهای دربردارنده و مولد سرمایه‌ی اجتماعی شده است.

در چنین شرایطی برگزاری جشنواره ملی عکس سرمایه‌ی اجتماعی اقدام مهمی در راستای ارتقای حساسیت عمومی نسبت به اهمیت سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و تبدیل ایده‌ی سودمندی تعاملات اجتماعی و اعتماد متقابل بین شهروندان به موضوع گفتگوهای عمومی و اجتماعی است.

امید آن‌که این اقدام سرآغازی برای اهتمام جدی به موضوع فقر سرمایه‌ی اجتماعی در کشور و شکل‌گیری عزم جدی و ملی برای پاسداشت ظواهر و تجلیات دیرین و کنونی این سرمایه در جامعه‌ی ایرانی باشد.